

نگهداری از لباس زمستانی

مرجان دهقان | روزنامه نگار



وفقا سلام!

«فردا تولدمه. شش، هفت تا مهمون می‌شنم». واکنش شما به این جمله‌ها چیه؟ بیاین اشتباه‌های این نوع دعوت رو بشماریم؛ (۱) دوست‌ها به حق انتخاب همدیگه احترام می‌ذارن و رفیق‌شون رو مطابق میل اونا رفتار کنه. (۲) دوست‌ها به سلامتی هم خیلی اهمیت می‌دن. خب حالا واکنش شما به جمله‌های بالا چیه؟

شماره پیامک ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶
شماره تلگرام ۰۵۱۳۷۶۳۴۰۰۰
تلفن تحریریه ۰۲۰۰۰۹۹۹۹

لباس‌های از شکل و قیافه افتاده، به معضل «چی بپوشم؟» بیشتر دامن می‌زنند. مگر این که یاد بگیرید چطور از لباس‌های تان مراقبت کنید تا دوام بیشتری داشته باشند. حالا که فصل سرماست، لباس‌های بافتنی و پشمی کاربرد بیشتری دارند. ژاکت و پلیورهای سنگین را نباید از چوب‌خنی آویزان کرد. آن‌ها را تا کنید تا بافت‌شان کش نیاید و گشاد نشود. پرزهای لباس را بعد از هر بار پوشیدن، از آن جدا کنید. این پرزها بر اثر سایش به وجود می‌آیند و ظاهر لباس را خراب می‌کنند. چسب‌پهن را از روی چسبنده‌اش، دور یک شیء لوله‌ای بچسبانید و آن را روی سطح لباس بغلتانید. با این کار پرزها از لباس جدا می‌شوند. برای شستن لباس‌های زمستانی‌تان از شوینده‌های آنزیم‌دار استفاده نکنید. آنزیم‌ها به الیاف لباس آسیب می‌زنند و به مرور بافت آن را از بین می‌برند. قبل از شستن لباس، حتماً دکمه‌ها یا زیپ آن را ببندید تا لباس‌ها توی هم گره نخورند و تغییر شکل ندهند. لباس‌های بافتنی معمولاً چروک نمی‌شوند اما اگر لباسی به اتون نیاز داشت، باید احتیاط کنید. در این مواقع می‌توانید بخار اتو را از راه دور روی لباس بگیرید تا صاف شود. اگر چروک هنوز سر جایش بود، یک پارچه سفید را کمی خیس کنید، روی لباس ببندازید و اتو را با درجه کم روی آن بگذارید. حواس‌تان باشد که نباید اتو را روی لباس بافتنی بکشید. آن را چند ثانیه روی قسمت‌های چروک بگذارید و بردارید. در پایان فصل سرما، قبل از جمع کردن لباس‌های گرم، آن‌ها را بشوید و وقتی کاملاً خشک شد، مقداری صابون بین‌شان بگذارید. این کار باعث می‌شود که لباس‌تان تا سال بعد آسیب نبیند.

پرونده‌های مجهول

نقاشی فضایی‌ها در مزرعه!

بررسی پدیده‌ای شگفت‌انگیز از الگوهای پیچیده هندسی که شبانه در مزرعه‌ها ظاهر می‌شود

فاطمه قاسمی | روزنامه نگار



«حلقه‌های کشتزار»، اشکال هندسی بزرگی هستند که ادعا می‌شود افراد ناشناسی، شبانه آن‌ها را در زمین‌های کشاورزی ایجاد می‌کنند. این حلقه‌ها شبیه به مهری روی زمین است بدون این که پوشش گیاهی، کوبیده شود یا آسیب ببیند. در چند دهه آخر قرن بیستم، بیش از ۱۰ هزار مشاهده حلقه گزارش شده که بیشتر آن‌ها در انگلستان جنوبی بوده‌است. قطر بعضی از این حلقه‌ها به یک کیلومتر و گاهی مساحتی بیش از ۱۹ هزار مترمربع می‌رسد که این اواخر شکل‌های هندسی و نامشخص دیگری به آن‌ها اضافه شده‌است. در پرونده مجهول این هفته به چند نمونه قدیمی و جدید از این حلقه‌ها و گمانه‌زنی‌ها درباره آن می‌پردازیم:

قدیمی‌ترین روایت از معماری مزرعه

ماجرای قدیمی‌ترین حلقه مربوط به سال ۱۶۷۸ میلادی در یکی از روستاهای انگلستان است که در یک کتیبه چوبی قدیمی حکاکی شده‌است. در این کتیبه تصویر موجود نامعلومی وجود دارد که با داسی بلند، در حال درو می‌شود. این الگویی عجیب است. اهالی منطقه درباره تصویر این کتیبه می‌گویند، ماجرا مربوط به کشاورز خسیسی است که ظاهر آن را داخت حق‌الزحمه کارگران مزرعه سر باز زده و سوگند خورده‌است که کارش را به شیطان واگذار کند! صبح روز بعد وقتی کشاورز به سرزمین می‌رود، در کمال ناباوری متوجه می‌شود که فردی شبانه مزرعه‌اش را در قالب نقوش به صورت حلقه‌های پیچیده درو کرده‌است. کشاورز از ترس زیاد هرگز برای جمع‌آوری محصولش پا به مزرعه نمی‌گذارد.

آخرین حلقه‌های کشتزار

یکی از آخرین حلقه‌های کشتزاری که توجه زیادی را به خود جلب کرد، طرح دایره‌ای شکل شش شاخه با ۲۴۴ متر قطر بود که در سال ۲۰۰۱ در «میلک هیل» کشف شد. ظاهر شدن این حلقه تاحدی خبرساز شد که برای هفته‌های متوالی، هلیکوپترها بر فراز این حلقه کشتزار استثنایی، پرواز می‌کردند. اواخر ماه ژوئن سال گذشته هم در روستای «آر شو» لهستان، مشاهده دایره‌هایی با قطر بیش از ۱۰۰ متر از سوی سازمان تحقیقاتی در زمینه «اشیای ناشناخته پرده» گزارش شد. به رغم ادعای این سازمان مبنی بر ماهیت ماوراءطبیعی حلقه‌های کشتزار، ناظری که از سایت بازدید کرده‌بود، مبدأ فرازمینی آن‌ها را رد کرد و توضیح داد: «این طرح‌ها حاصل کار افرادی ناشناس است که از تخته برای خواباندن گیاهان استفاده کرده‌اند. همچنین به نظر می‌رسد که این طرح، قسمتی از الگوی پیچیده‌تری بوده که به اجبار ناتمام رها شده‌است».

باتالزار

چرا مورچه‌ها وقتی به هم می‌رسند شاخک‌های‌شان را به هم می‌زنند؟

مریم ملی | روزنامه نگار



ما انسان‌ها با حرف زدن با هم ارتباط برقرار می‌کنیم، خیلی از حیوانات از طریق صداها و آواها منظورشان را به یکدیگر می‌سانند اما مورچه‌ها، این موجودات زحمتکش، چطور با هم حرف می‌زنند؟ اگر تا حالا چند مورچه را زیر نظر گرفته باشید، حتماً متوجه شده‌اید که وقتی به هم می‌رسند، برای لحظه‌ای کوتاه توقف می‌کنند و انگار به هم می‌گویند: «مخلصم، ارادت». بعد سری تکان می‌دهند و از کنار هم عبور می‌کنند اما این فقط ظاهر قضیه است. به نظر شما واقعاً مورچه‌ها این کار را می‌کنند؟ تحقیقات دانشمندان نشان می‌دهد مورچه‌ها و خیلی از حشرات، صداهایی تولید می‌کنند که خارج از محدوده شنوایی ماست؛ صداهایی با فرکانس خیلی پایین

دیدنی

چیزهایی که نمی‌دونی!

سمور دریایی، روی پوستش چیزی شبیه به جیب دارد که در آن غذا و سنگ برای خرد کردن مده‌ها را نگه می‌دارد.

قدم گذاشتن بشر به کره ماه، قبل از اختراع چرخ برای چمدان بود.

دو پنچی می‌توانست همزمان با یک دست بنویسد و با دست دیگر نقاشی کند.

بعضی از انواع ستاره دریایی می‌توانند با تنه‌ایک باز و باقی ماند، بدن‌شان را دوباره باز سازی کنند.

منبع: boredpanda.com

گاف

مهم‌ترین بایک تیر دو نشون زدنی که تو زندگیت تجربه کردی؟

خودم: یه بار گوشیم از دستم افتاد روتبلیت. صفحه نمایش دوتا شون شکست.

خودت بساز

آویز سقفی بساز

مهسا فارسی | روزنامه نگار

سقف اتاق شما چه شکلی است؟ از سیمی دراز که انگار از دهان گرگ بیرون آمده است، لامپی آویزان و اتاق را روشن کرده‌اید یا آویز سقفی دارید؟ من خیلی به سقف‌ها نگاه می‌کنم و همیشه دوست دارم به آن‌ها به اندازه دیوارها اهمیت بدهیم و به سرو و وضع‌شان برسیم تا مثلاً در شب و روزهای امتحان وقتی گیج و خسته روی تخت ولو شده و به سقف چشم دوخته‌ایم، چشم‌مان بیفتد به خطی، رنگی، طرحی... پس مشخص شد که در «خودت بساز» این هفته قرار است آویز سقفی بسازیم. آن‌هم به روشی ساده و یادم‌دستی‌ترین وسایل!

همه آن چه نیاز دارید: کاغذ کادو یا برچسب طرح‌دار، تکه‌ای مقوای شومیز، چهار عدد سیخ چوبی، بطری خالی دوریختنی، نخ، چسب و قیچی

قطر دایره آویز را در نظر بگیرید و محیط‌اش را حساب کنید تا طول مستطیل به دست آید. سپس مقواری با ابعاد مناسب برشی مستطیلی بزنید. آن را گرد کنید و دو سرش را به هم چسب بزنید. حالا روی مقواری با کاغذ کادو ببوشانید. برای تزئین می‌توانید از پارچه، نم‌دیبا برچسب طرح‌دار و زیبا استفاده کنید که به سلیقه و موجودی خودتان بستگی دارد. برای این که استوانه مقوایی‌تان فرم بیضی بگیرد، از چهار عدد

آثار شما

آخرین روز بهاری

کوثر سادات سعیدی | ۱۲ ساله

امروز آخرین روز از فصل بهار است. اصلاً دوست ندارم از خواب بیدار شوم و به مدرسه بروم اما به هر حال از رختخواب دل می‌کنم. از آشپزخانه صدای صحبت کردن می‌آید. لحن صحبت‌ها طوری است که انگار کسی خواب است. به همه سلام و صبح به خیر می‌گویم و دست و صورت‌م را می‌شویم. از یخچال خامه و شکلات را بیرون می‌آورم و همراه بقیه شروع به خوردن صبحانه می‌کنم. حین صبحانه خوردن پدر و مادرم رمزی باهم صحبت می‌کنند. مشکوک می‌شوم. هر چه سعی می‌کنم حرف‌های‌شان را رمزگشایی کنم، نمی‌توانم. شکلات آخرین لقمه را بیشتر می‌گذارم چون دوست دارم طعمش زیر زبانت بماند. بعد با برادرم سفره را جمع می‌کنیم و فوری به اتاق‌م می‌روم و حاضر می‌شوم. حین حاضر شدن فکر می‌کنم که چرا امروز پدرم شرکت نرفته‌است. او که فقط برای کارهای ضروری مرخصی می‌گیرد اما به جوابی نمی‌رسم. کیفم را برمی‌دارم و از پدر و مادرم خدا حافظی می‌کنم. بعد با سرویس به مدرسه می‌روم.

ساعت ۱۴

کلید می‌اندازم و در را باز می‌کنم. از پله‌ها به سستی بالا می‌روم. وقتی در را باز می‌کنم، بوی قرمه‌سبزی به مشام می‌رسد و گرسنگی‌ام بیشتر می‌شود. لباس‌هایم را عوض می‌کنم. کماکان همه چیز مشکوک است. تصمیم می‌گیرم بخوابم و وقتی پدر و مادر آمدند با آن‌ها غذا بخورم. خیلی فکرم درگیر است. نکند بابا اخراج شده باشد که صبح سرکار نرفت! کمی تکان می‌خورم تا جای مناسب را پیدا کنم و بعد از چند دقیقه خواب‌م می‌برد. با صدای مادرم از خواب بیدار می‌شوم. در اتاقم را باز می‌کنم و از من می‌خواهد سریع حاضر شوم چون می‌خواهم به مهمانی برویم. پس ناهار چی؟ فوری لباس می‌پوشم. وقتی از اتاق بیرون می‌آیم، خانه تاریک است. فکر می‌کنم حتماً همه رفتند پایین و منتظر من هستند. در را که باز می‌کنم، یک بادکنک جلوی صورتم می‌ترکد و صدای مادرم را می‌شنوم که می‌گوید: تولدت مبارک!

۴